

جنبش کارگری در مقابل دشواری ها و به تبع آن آزمون و فرآزهای جدید.

تصمیم درست و اصولی هیئت مدیره سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه

نباید فریب فریادهایی را خورد که خواهان " وحدت " می شوند . کسانی که این واژه را بیشتر بر زبان می رانند ، بزرگترین نفاق افکنان هستند ، چنان که اکنون با اکو نو میست های سوئسی فدراسیون ژرا . این مسبب تمام انشعاب ها بیش از هر چیز در باره " وحدت " جنجال به پا کرده اند. این وحدت طلبان متعصب یا کو ته فکرائی هستند که می خواهند همه چیز را با هم در یک معجون نامعلومی مخلوط کنند، و کافی است که این معجون ته نشین شود تا تفاوت ها دیگر بار به صورت تضادهای شدیدی تری ظاهر شوند. چون حالا همه در یک دیگ قرار دارند (در آن زمان در آلمان- الان بخوان ایران) افرادی که آشتی کارگران با خرده بورژوازی - بورژوازی - را تبلیغ می کنند، افرادی هستند که یا آگاهانه و یا نا آگاهانه در پی کشیدن جنبش به بی راهه مشغول می باشند. از این رو بزرگترین و معروفترین شر به پا کن ها، وبی پرنسیب هایی هستند که در لحظات معینی، بیش از هر کس دیگر فریاد وحدت سر می دهند. در تمام طول زند ه گی به اندازه کسانی که فریاد وحدت بر می دارند گرفتاری و بد بختی نداشته ایم. (۱) : نامه انگلس به آگو ست بیل، لندن ۳۰ ژوئن

در سال ۱۸۳۰ انگلس با جملات بالا تکلیف خود را با راست ها و سو سیالیست های ضد کارگری و دوستانان بقای سر مایه داری ، در جنبش کارگری روشن کرد. همچنین در سال ۱۸۷۵ مارکس اقدام به نوشتن رساله بسیار مهم خود به نام نقد برنامه گوتا (۲) برای جنبش کارگری و سو سیالیستی کرد و به نقد لاسال و انحراف جدیدی ، به نام جنبش لاسالی در این کتاب پرداخت و به مقابله با این انحرافات تازه در جنبش کارگری پرداخت ، نقدی که به درستی نظرات انحرافی لاسال (۱۸۶۴-۱۸۲۵) را از بنیان بی اعتبار می ساخت و از اساس رد می نمود. (۳) در عین حال ، چشم انداز جدیدی را در رابطه با مقابله با این انحرافات در پیش روی طبقه کارگر گشود .

طبیعتا طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی خویش و در هر آزمون جدید ، درس های تازه ای می آموزد و افق و دید گاه طبقاتی خود را گسترش می دهد. طبقه کارگر ایران نیز مانند سایر هم طبقاتی های خویش در سایر نقاط جهان ، با مصائب و مشکلات و محرومیت ها و بی حقوقی های بیشماری از طرف سیستم سرمایه داری - مذهبی - ود ولت حامی این سیستم روبرو بوده و می باشد. و در طول سالیان دراز به کشاکش مدام و مبارزه بی امان برای دست یابی به حقوق حقه خویش دست زده و با فراز و نشیب های بسیار روبرو بوده است . صفوف آگاه طبقه کارگر ایران خود را بخشی از طبقه کارگر جهانی می داند و در این راستا به همبستگی و همراهی و همدلی طبقه کارگر انقلابی و آگاه جهانی نیازمند است

جنبش کارگری در ایران اکنون نیز با آزمون ها و چالش های مهم و جدیدی روبرو شده است ، یکی از آزمون ها و تجربه های جدید ، تصمیم هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتو بو - سرانی تهران و حومه است . در تاریخ دوم بهمن ۱۳۹۱ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبو سرانی تهران و حومه بر کناری " منصور اسالو از ریاست هیئت مدیره این سندیکا " با ذکر نکاتی در مورد عملکرد ایشان اعلام کرد (۴) بعد از علنی شدن این تصمیم ، واکنش های گوناگونی از طرف فعالین سیاسی- عمدتا در خارج از کشور - بصورت کتبی و بدون توجه به ماهیت و اصل اختلاف و روند و پروسه نظری و عملی این تصمیم صادر گردید . محتوی این نوشته ها بیشتر **نکوهش و انتقاد و بعضا تهمت و تخریب** و حتی اتهام شنیع و سخیف وزارت اطلاعاتی بودن را به این سندیکا و امضاء کنند ه گان این اطلاعیه نسبت دادند. برخورد بعضی از نویسند ه گان این مطالب بیشتر از هر چیز ، گواه درک سطحی و نازل و دشمنانه و نا آگاهانه آنان به است ، این فعالین سیاسی بدون پرداختن به و بدون توجه داشتن به اصل و کنه قضیه این بر کناری و چراها و زمینه، علت و ... آن شروع به محکوم کردن این تصمیم نمودند .

این "منتقدین" تنها با پرداختن به شکل و فرم و زبان بیان این اطلاعیه به محکوم کردن هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد پرداختند و با تاکید و اشاره بر روی به زعم خودشان، زیر پا گذاشتن حق "دموکراتیک" اسالو، عملاً در دام تفکرات بورژوازی و سطحی نگری و ساده اندیشی افتادند.

به نظر نگارنده تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد مبنی بر، بر کناری اسالو، تصمیمی **درست و به موقع** و با توجه به فعل و انفعالاتی که در جنبش کارگری و در این سندیکا به وقوع پیوسته و در حال به وقوع پیوستن بوده و است می باشد، تصمیمی **کاملاً صحیح** و در جهت **منافع واقعی** و دراز مدت **طبقه کارگر ایران** و کارگران به طور کلی می باشد و نه تنها در راستای منافع مقطعی و زود گذر آنان، بلکه در جهت منافع نهایی کارگران نیز می باشد.

فریادهای وحدت طلبی و انتقاد و تخریب و تو بیخ و "دموکراسی" خواهی بخشی از این فعالین سیاسی معترض به بر کناری اسالو و معترضین به تصمیم سندیکا شرکت واحد در واقع، خط و راه کار **سازش طبقاتی** برای طبقه کارگر است و فراخوان دادن به نزدیکی با رفرمیسم و آشتی طبقاتی کارگران با سرمایه داران می باشد. در پشت این فریادهای اعتراض به تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد اتوبو سرانی تهران و حومه، مبنی بر، بر کناری اسانلو، تبلیغ سازش با بورژوازی پنهان است و رهنمود دادن به طبقه کارگر که از منافع طبقاتی خویش کوتاه بیاید. و زمین طبقاتی خویش را به استثمارگران خود واگذار نماید. با دفاع از رادیکالیسم و جهت گیری سو سیالیستی طبقه کارگر، و حمایت از تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد، به جای موعظه و نکوهش و تخریب آنان.

ما باید صمیمانه و قاطعانه از تصمیم درست و روشن و طبقاتی هیئت مدیره مبارز سندیکا شرکت واحد استقبال و دفاع کنیم. تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد، تصمیمی **اصولی و درست** در جهت منافع واقعی کارگران میباشد.

در پایان، امید که سندیکا شرکت واحد، خوشبینی خویش را نیز به اتحادیه های کارگری رفرمیستی و بورژوازی (۵) از دست دهد و در آینده درخواستی از این اتحادیه ها ننماید

(1) نامه های مارکس و انگلس در زمینه رابطه پرولتاریا با احزاب بورژوا – دموکراتیک

(۲) مارکس در سال ۱۸۷۵، نقد بر نامه گوتا را نوشت تا با گرایش نظری و نادرستی که در جنبش کارگری آلمان در حال نضج گرفتن بود، مبارزه کند و از هر گونه سازش غیر اصولی با پیروان لاسال جلوگیری به عمل آورد. برنامه گوتا قرار بود پایه و وحدت گروه های کارگری گوناگون قرار گیرد، مارکس و انگلس، در عین تایید نفس این وحدت، مخالف بی امان سازش های نظری و غیر اصولی بودند. در این اثر، مارکس نظرات مهمی در باره برخی مسائل اساسی سو سیالیسم، دیکتاتوری پرولتاریا، ویژه گی های کمونیسم، امنیت ناسیونالیسم کارگری و بالاخره حزب طبقه کارگر اظهار داشته است. لاسال از چهره های سرشناس جنبش کارگری آلمان بود که در جریان مبارزات کارگری در آلمان، با بیسمارک از سردمداران زمین داران بزرگ آلمان، به نوعی تفاهم و سازش دست زد. به نظر لاسال با توجه به ضعف جنبش کارگری در آلمان، طبقه کارگر باید زیر پرچم بیسمارک می رفت.

نقد بر نامه گوتا، کارل مارکس. زیر نویس از مترجم. ع.م، انتشارات آلفابت ما کسیم

(۳) همیشه و همه جا، مارکس و انگلس در برابر باکونین، پرودن. لاسال به موازات پشتیبانی از انجمن ها و اتحادیه های صنفی مستقل در دوران خویش، بر داشتن خصوصیت ضد سر

مایه دارانه ی این تشکل ها پافشاری داشته و حلقه وحدت در اتحادیه را تنها با بروز خصلت ضد سر مایه دارانه آنها به رسمیت می شناختند. از همین زاویه و با چنین ویژگی است که اتحادیه مورد نظر آنان ، آموزشگاه سو سیالیسم نامیده می شود.

منبع : اتحادیه های صنفی ، نهاد هایی برای گذشته .

عباس منصوران . انتشارات آلفابت ماکسیم. تابستان ۲۰۰۵

(۴) <http://www.syndicavahed.asia>

(۵) اتحادیه همبستگی در لهستان به رهبری لخ والسا- ۱۹۸۰- این اتحادیه و شخص او در خدمت سر مایه و کلیسا قرار گرفتند . لخ والسا با صلیب بر گردن، در برابر دوربین ها نمایان شد و نماینده گان پاپ اسقف اعظم در چپ و راست او گام بر می داشتند، مهار کننده گان جنبش کارگری همه با هم همدست شده بودند . لخ والسا، پاپ و کلیسا و سر مایه (۱۹۸۰) و نیز اتحادیه های بزرگ و سراسری در غرب ، در نقش بازوان حکومت و مناسبات سلطه گرایانه بورژوازی ، وظیفه تسمه نقاله های پیوند کار با سر مایه را داشته اند

کارنامه اتحادیه های سراسری این کشور ها، مانند، **ال او** در سوئد، **دی جی بی** در آلمان، **آی تی اف** در کانادا، **سی ژی تی** در فرانسه ، سازمان جهانی کار و اتحادیه های کارگری در هلند و ووو اتحادیه های بیشتری از این نوع با داشتن میلیون ها عضو در عمل و کار کرد خود ، پشتوانه حاکمیت سیاسی طبقه بورژوازی به شمار می آیند .

منبع : کتاب اتحادیه های صنفی نهادهایی برای گذشته . نویسنده عباس منصوران. تابستان

بنفشه کمالی. ۲۰۱۲ - ۱ - ۳۰

banafshekamali@gmail.com